

تحلیل رویکرد علامه فضل الله به «شورا»

با تاکید بر آیه ۱۵۹ سوره آل عمران

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۱ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱/۷

مرضیه محمص؛ استادیار گروه معارف دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

علامه سید محمد حسین فضل الله از جمله مفسران معاصر محسوب می‌شود که با هدف ارائه اصول کلی حاکم بر نظام اجتماعی اسلام، با شیوه‌ای تحلیلی و اجتهادی، آیات قرآنی را پردازش نموده است. این مقاله به بررسی موضوع «شورا» به عنوان یکی از ظرفیت‌های نظام اجتماعی قرآنی از منظر علامه فضل الله پرداخته است. مهمترین یافته‌های این مطالعه از رهگذر استخراج جایگاه، کارکرد و مختصات شورا در اندیشه علامه فضل الله این است که از نظر وی به موجب آیه ۱۵۹ سوره آل عمران، شورا به مثابه یکی از برآیندهای اجتماعی، مشارکت مستقیم یا غیر مستقیم مردم را در عرصه‌های گوناگون اجتماعی تأیید نموده است. علامه فضل الله ملاک تمامی تصمیم‌گیری‌های اجتماعی را احکام شرعی و مصالح جامعه اسلامی می‌داند و معتقد است در صورت علم تصمیم‌گیران به خیرویت خود در عرصه‌ای خاص، الزامی به مشورت وجود ندارد.

کلید واژه‌ها: علامه محمد حسین فضل الله، آیه ۱۵۹ آل عمران، شورا، تفسیر.

سید محمد حسین فضل الله (۱۳۱۴ش) از مراجع تقلید شیعه در لبنان، در تفسیر «من وحی القرآن» با شیوه‌ای تحلیلی و اجتهادی، به پردازش آیات قرآنی پرداخته است. شورا به عنوان یکی از آموزه‌های فردی و اجتماعی دین اسلام یکی از موضوعاتی است که به نحو خاص ذیل تفسیر آیه ۱۵۹ سوره آل عمران، مورد توجه وی قرار گرفته است. این آیه شریفه محوری‌ترین آیه‌ای است که در بحث شورا مورد توجه مفسران قرار گرفته و بستر طرح موضوعات مرتبط با ساز و کار حکومت در عصر غیبت امام معصوم علیه السلام را فراهم آورده است. این تحقیق بر آن است با استناد به تفسیر «من وحی القرآن» طور خاص و دیگر نگاشته‌های علامه فضل الله به تحلیل موضوع «شورا» بپردازد. از بررسی آثار مرتبط به نظر می‌آید این کتاب تفسیری تا کنون، از این منظر مورد بررسی قرار نگرفته است.

در این جستار پاسخگویی به پرسش‌های ذیل مورد نظر قرار گرفته است:

- کارکردها و مختصات شورا از منظر علامه فضل الله، بر مبنای آیه ۱۵۹ آل عمران چیست؟

- دیدگاه علامه فضل الله درباره شورا چگونه تحلیل می‌شود؟

پیشینه بحث

واژه شورا از نظر لغوی از «شار العسل» به معنای بیرون آوردن عسل از کندو گرفته شده و بر استخراج، اعانه و کمک دلالت دارد.^۱ در روابط اجتماعی انسانها، شورا و مشاوره به تحقیق و بررسی غیر انفرادی یک موضوع با هدف آشکارسازی مسیر درست اطلاق می‌شود.^۲ یکی از نویسندگان در تعریف شورا می‌نویسد: «شورا، تضارب آراء مختلف و جهت گیری نظرات مطرح شده در مورد یک قضیه و آزمون آنها از سوی صاحبان خرد برای

رسیدن به نظر درست یا صحیح‌ترین و نیکوترین نظر تا براساس آن عمل شده، بهترین نتایج حاصل گردد.^۲

با توجه به آنچه ذکر شد روشن است که شورا، استفاده از نظریات دیگران برای دستیابی بهتر به حقیقت یا رفع تردیدهای موجود به نحوی مطلوب است.

توجه به آراء مردم و مشارکت دادن آنها در امور مرتبط با حکومت، از جمله اصول مهم در آموزه‌های اسلامی است. در قرآن کریم نه تنها وجود متصل به قوای غیب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امر به شورا با مردم شده‌اند،^۴ بلکه از التزام به مشورت به عنوان یکی از اوصاف مومنان یاد شده است.^۵ این آموزه به مثابه یکی از مصادیق آزادی‌های سیاسی مورد توجه متفکران مسلمان قرار گرفته است.^۶ اندیشمندی با انطباق مفهوم شورا بر نظام سیاسی اسلامی در تعریف شورا می‌نویسد: «مقصود از شورا در اصطلاح سیاسی حق امت در مشارکت سیاسی در امور حکومت و تصمیم‌گیری است.»^۷ کانون اهتمام معاصران، مسئله لزوم حاکم به مشورت و الزام آور بودن نتایج شورا است. برخی از مفسران حاکم را موظف به مشورت می‌دانند و اجتناب حاکم از شورا پیش از تصمیم‌گیری را نشانه استبداد رأی و موجب عزل وی می‌دانند. برخی دیگر حاکم را ملزم به مشورت نمی‌دانند و معتقدند مساله شورا در حالات مختلف اجتماعی تفاوت می‌کند و شکل‌گیری آن به عوامل متعدد در شرایط مختلف زمانی، بستگی دارد و صلاحیت و سودمندی هر برنامه در گروهی شرایط اجرای آن است.^۸

در آثار معاصر علاوه بر «شورا» به مثابه یک نهاد اجتماعی الزام آور، نوع دیگری از شورا نیز تعریف گردیده و از آن با عنوان «مشورت اختیاری» یا «شوری‌الرأی» یاد شده است.^۹ موضوع این نوع شورا، ارائه نصیحت یا رأی برای کسانی است که خود به نحو مستقل حق اتخاذ تصمیم دارند. در این فرض، مشورت‌کننده، اختیاری کامل در تصمیم‌گیری دارد و «مشورت» تنها وسیله‌ای برای یاری صاحب تصمیم در کشف رأی درست است.^{۱۰}

شایان ذکر است مفسران قرآن کریم نیز در طول تاریخ نسبت به مشورت در امور حکومتی و حتی لزوم آن، دیدگاه‌های متعددی ارائه نموده‌اند. بررسی سیر دیدگاه‌های مفسران در این باره گویای این امر است که کسانی همچون محمد عبده مشورت را مرجع قانون گذاری و تعیین خط مشی‌های سیاسی و اجتماعی دانسته است.^{۱۱} طنطاوی نیز ضمن تاکید بر لزوم انجام مشورت و پرهیز از خودکامگی و استبداد، عمل به نتیجه شورا را بر حاکمان مسلمین واجب می‌داند.^{۱۲} محمد رشید رضا نیز در کتاب *الوحي المحمدي* مشورت در امور حکومتی را واجب می‌داند و می‌نویسد: «هنگامی که خداوند مشورت را بر پیامبرش واجب کرده است، پس غیر از او اولی هستند که مشورت بر آنها واجب باشد. سیره خلفای راشدین و اجماع امت نیز بر این دلالت دارد؛ اگر چه بعضی از فقها از آن غافل شده و شورا را مستحب دانسته‌اند نه واجب، چرا که می‌خواستند پادشاهان و امیران را راضی گردانند.»^{۱۳} در ایران، میرزای نائینی اولین کسی است که در کتاب *تنبيه الامه و تنزيه المله* به طور گسترده، نقش شورا در حکومت را مطرح کرده و حاکمان را با تمسک به آیات، روایات و سیره عقلاء، ملزم به مشورت و پیروی از آراء مشاوران می‌داند.^{۱۴} یکی از اندیشمندان معاصر تمسک به آیه شورا جهت اثبات حاکمیت مردم بر مردم و نفی حاکمیت منصوب خداوند را اثبات مدعایی بی ارتباط با پیام آیه دانسته؛ چرا که آیه حکم عامی خطاب به مومنین در امور مربوط به خود است؛ حال آنکه امر حکومت، قضاوت و قانون گذاری، امر الله است و تنها به اراده خداوند و با قرآن و سنت و عقل برهانی روشن می‌گردد. وی در توضیح این نکته تاکید می‌نماید که خود قانون اسلامی مشورت پذیر و اکثریت بردار نیست و قانون اسلام را خداوند تعیین می‌کند؛ اما در تشخیص ابهامات قانون الهی، مشورت و نظر اکثریت کارشناسان فقهی معیار است.^{۱۵}

دلایلی از این دست سبب شده عده‌ای شورای پیش گفته را استجابی تلقی نمایند. محمد سعید رمضان البوطی در کتاب *فقه السیره النبویه*، ضمن اشاره به نظر خویش از کلام قرطبی

نیز استشهاد گرفته، می‌نویسد: «شورایی که در مکانیزم حکومت به کار می‌رود، در نظر صحیح که عموم فقها بر آن هستند، مشروع است و لکن الزام آور نیست، به تعبیر دیگر بر حاکم مسلمانان است که از شورا در بحث و نظر خویش استضاءه کند؛ ولی بر او لازم نیست که اگر رأی اکثریت با رأی حاکم مخالف بود به آن عمل کند.»^{۱۶} قرطبی نیز به عدم لزوم تبعیت حاکم از اکثریت شورا نظر داده است.^{۱۷} به موجب تکمیل حیطة‌های ذکر شده، استخراج دیدگاه علامه فضل‌الله در این زمینه امری بایسته است.

فضای اجتماعی در عصر علامه فضل‌الله

بدون شک در محدوده خاورمیانه عربی، سواحل شام به دلیل حوزه آبی مشترک با اروپا از شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه قرن نوزدهم کشورهای اروپایی بیش از مناطق دیگر تاثیر پذیرفته و منطقه جبل لبنان در شرق دریای مدیترانه به دلیل گذار از دوران تحت الحمایگی فضای پراشویی را پشت سر نهاد. جنگ داخلی و ستیزه جویی‌های همیشگی رژیم صهیونیستی، تحول عمیقی در ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی لبنان پدید آورد.^{۱۸} این کشور در طول تاریخ پناهگاهی برای اقلیت‌های مذهبی حاضر در سرزمین‌های همسایه بوده است. تعدد و فرقه‌گرایی نمایان‌گر ساخت جامعه لبنان است. این امر ضمن آنکه یک واقعیت اجتماعی است، جوهره سیستم سیاسی لبنان را نیز تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر ساخت سنتی قدرت سیاسی در لبنان بر اساس توازن فرقه‌ای استوار است. به این معنا که مجموع اراده‌هایی که حاکمیت دولت لبنان را پدید می‌آورند، حاصل خواست و تمایل رهبران فرقه‌ها که قدرتمندان سیاسی و اقتصادی جامعه لبنان هستند بوده است. طبیعتاً ساخت فرقه‌ای جامعه لبنان تاثیراتی بر زندگی اجتماعی آن کشور داراست.^{۱۹} وجود کانون‌های مختلف فکری و حلقات حوزوی مروج تشیع، همچنین مهاجرت علمای شیعه به لبنان، در زمینه سازی، پیدایی و انفتاح فکری اندیشمندان لبنانی بسیار تاثیر گذار بوده است. تنوع مذهبی و امتزاج میان مسلکها در لبنان همراه با فرهنگ گفت و گو، تسامح و

تساهل در رفتار و تعامل انسانها قابل توجه است و در کمتر جامعه شیعی نشینی سابقه دارد.^{۲۰}

جایگاه اجتماعی علامه فضل الله

فضل الله در سال ۱۹۵۲م در سن هفده سالگی برای نخستین بار به لبنان رفت و در این سفر که هم زمان با اربعین درگذشت سید محسن امین عاملی بود قصیده‌ای در رثای او سرود و در آیین یادبود او قرائت کرد. وی در این قصیده بسیاری از مسایل سیاسی روز و از جمله مساله وحدت و بیداری اسلامی و مهاجرت جوانان را مطرح و استعمار فرانسه را نکوهش کرد. روزنامه‌های آن روز لبنان این قصیده را احساس برانگیز توصیف کردند.

آیت الله فضل الله با مشاهده کمبودهای موجود در فضای فرهنگی نجف اقدام به فعالیت‌های فرهنگی و مطبوعاتی نمود و همراه با آیت الله سید محمدباقر صدر و آیت الله شیخ محمد مهدی شمس الدین، مجله "الاضواء" را در سال ۱۳۳۷ از سوی (جماعه العلماء) نجف منتشر کرد. در سال نخست انتشار مجله شهید صدر سر مقاله‌های آن را تحت عنوان (رسالتنا) به رشته تحریر درآورد. پس از آن به مدت شش سال علامه فضل الله سر مقاله‌های این مجله را با عنوان (کلمتنا) می‌نگاشت که مجموعه این سرمقاله‌ها در کتابی به نام "فضایانا علی ضوء الاسلام" پیش از ده بار چاپ و منتشر شده است. همکاری سید محمد حسین فضل الله و شهید سید محمد باقر صدر در سطح تشکلهای سیاسی و انقلابی و بویژه در ایجاد حرکت اسلامی عراق امتداد یافت. تا آن زمان شیعیان انقلابی عراق انسجام و تشکل سیاسی مشخصی نداشتند، در حالی که اهل سنت در قالب جنبش‌هایی با عنوان "اخوان المسلمین" و حزب "التحریر الاسلامی" فعالیت انقلابی منسجم داشتند. علامه فضل الله در سال ۱۳۴۵ ش. در کشور لبنان که از نظر تنوع طایفه ای وضعیتی منحصر به فرد داشت و موج مدرنیته آن را درنور دیده است، اقامت گزید. وی با تلاشی همه جانبه به پرکردن خلاهای فرهنگی و اجتماعی موجود پرداخت و چندین نسل را بر اساس آموزه-

های اسلام ناب و با گشودن دریچه عقل و عاطفه انسان‌ها به روی آفاق نورانی اسلام معاصر تربیت کرد. او به اسلام به مثابه الگویی برای جهت بخشی اخلاقی جهان می‌اندیشید و می‌کوشید در قالب تاسیس مرکز علوم دینی (المعهد الشرعی)، نسلی از طلاب را تربیت کند که با ذهنیت جهان معاصر همخوانی داشته باشد.^{۲۱}

فضل الله بر این نکته تاکید دارد که قرآن کتاب حرکت است؛ به عبارت دیگر در بر دارنده باورها و برنامه‌های پویایی است که همگام با امت اسلامی حرکت کرده و در هر زمان و مکانی نحوه معیشت آنان را بیان می‌کند. وی می‌گوید: «من این گونه می‌فهمم که ممکن نیست قرآن را مانند کتابی بخوانیم که فقط معنای لغوی دارد، بلکه باید آن را به عنوان کتاب حرکت اسلامی در چهارچوب دعوت و صلح امت اسلامی بشماریم. لذا معتقدم فهم قرآن جز برای کسانی که حضور فعال در صحنه حیات اجتماعی دارند ممکن نیست. یعنی قرآن را فقط آنها می‌فهمند؛ کسانی که با معنای حرکت اسلامی زندگی کرده‌اند. در سایه سار زندگی اسلامی که با انسان و جهان تکوین همخوان است؛ زیرا انسانی که با قرآن در صحنه حرکت می‌کند، قرآن را به گونه‌ای متفاوت از فهم کسانی می‌فهمد که فقط درگیر فهم لغوی قرآن هستند.»^{۲۲} فضل الله اذعان داشته که قرآن را در جریان حرکت‌های فکری، سیاسی و اجتماعی به صورت تدریجی درک نموده است.^{۲۳}

به صراحت می‌توان اذعان داشت مفسر این ایده را در تفسیر آیات قرآن به منصف ظهور رسانیده است. وی می‌کوشد به فراخور موضوع، نکات و ظرائف مسائل اجتماعی را در دسترس مخاطبان قرار دهد. بر این مبنا، هر جا که مجال را مناسب یافته به طرح اندیشه‌های اجتماعی موجود در جامعه پرداخته و با ارائه دیدگاه اسلام در این باره کوشیده تا کارآمدی اسلام را بنمایاند.

بررسی آیه ۱۵۹ سوره آل عمران

خداوند متعال در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران می‌فرماید:

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ
اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾؛ پس
به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پُر مهر] شدی و اگر تندخو و سخت دل بودی
قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس، از آنان درگذر و برایشان آموزش بخواه و در کار
[ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند توکل
کنندگان را دوست می‌دارد.

آیه شریفه تتمه آیاتی است که در خصوص جنگ احد نازل شده و متعرض تاسف و
حسرتی است که از خطای مهاجرین و انصار و به موجب آن کشته شدن جنگجویان و
بزرگان عارض شده بود. آیات پیشین سوء ظن به رسول اکرم صلی الله علیه و آله، مذمت
شده و تصریح می‌شود رسول خدا صلی الله علیه و آله به احدی خیانت نمی‌کند، بلکه او
شریف النفس و کریم الاصل و عظیم الخلق است و به رحمتی از خدای تعالی دارای خوبی
نرم است، از خطاکاران مردم عفو می‌کند، برای آنان استغفار می‌نماید و در امور، به دستور
خدای تعالی با ایشان مشورت می‌کند و خدا با فرستادن چنین پیامبری بر آنان منت نهاده
تا از ضلالت به سوی هدایت خارجشان کند.^{۲۴}

﴿شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾ اصلی‌ترین فراز آیه است؛ واژه عام «امر» در لغت به معنای شأن
است و بر تمامی اعمال اطلاق می‌شود.^{۲۵} این کلمه در بعضی آیات مصداقی محدودتر یافته
و به معنای «عذاب»^{۲۶} و «چاره جویی»^{۲۷} منحصر شده است. در آیه مورد بحث، با استناد
به سیاق آیات، مقصود از واژه (امر)، امور مرتبط با مسایل اجتماعی و امور کلان در اداره
جامعه است. یکی از مفسران مصداق امر را مجموعه موضوعات مرتبط با مصالح مردم و
کشور می‌داند که حکمران نسبت بدان دانش کافی ندارد.^{۲۸}

درباره مدلول هیئت «شاور» در «و شاورهم» که صیغه امر است، نکته حائز اهمیت آنکه «با توجه به شأن نزول و وقایع مربوط به تعیین محل جنگ با دشمن این احتمال وجود دارد که آیه در مقام توهّم حضر آمده باشد. در علم اصول ثابت شده است که امر پس از حضر یا در مقام توهّم حضر دال بر لزوم نیست.»^{۲۹}

مطابق این استنباط از آنجایی که مشورت پیامبر صلی الله علیه و آله در جریان غزوه احد و خروج از مدینه و نافرمانی گروهی از سربازان مستقر در محل شکاف دو کوه سبب شکست گردید، انتظار می رود که خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله را از مشورت باز دارد؛ اما در قالب فرمان «و شاورهم»، تنها اشاره می شود که حالت مشورت با امت ادامه یابد و حکم آیه دلالتی بر وجوب و استحباب ندارد.^{۳۰}

خطاب آیه شریفه از منظر افرادی که مایل به جدا انگاری تعالیم قرآنی از سیاست هستند، اختصاص به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دارد.^{۳۱} حال آنکه گرچه خطاب ظاهراً مخصوص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است؛ اما به طریق اولی دیگر حاکمان امت اسلامی و دیگر مومنان به آیین اسلام را نیز شامل می شود؛ چرا که قرآن کریم مسلمانان را به تبعیت از ایشان تشویق نموده است.

دیدگاه علامه فضل الله درباره جایگاه شورا

فضل الله آیه شورا را ترسیم کننده مسیر کلی تعامل حاکم اسلامی با امت در برنامه های کلان و حیاتی همچون مسایل سیاسی، اقتصادی و امنیتی می داند. از نظر او خداوند مطابق این آیه از حاکم یا رهبر اسلامی خواسته است تا با امت مشورت نماید؛ قطع نظر از آنکه اطاعت از نتیجه شورا بر او واجب باشد یا اینکه شورا عاملی برای تثبیت اوضاع جامعه به شمار آید. دلیل این امر آن است که حاکم اسلامی به لحاظ جایگاهی که خداوند برای او قرار داده، حکومت می کند و خارج از چارچوب کلی، آزادی شخصی ندارد.^{۳۲} او بیان می کند: «جامعه وظیفه دارد از قدرت مشروع حاکم اطاعت کند، در عین حال وظیفه قدرت مشروع

این است که به روی جامعه گشوده باشد و هر نقدی را بشنود و از آن بهره گیرد و درباره مسایل گوناگون که ممکن است محل اختلاف آراء باشد با جامعه وارد گفتگو شود. فقیه نمی‌تواند به رأی خویش مستبد باشد و به ناچار باید به جامعه رجوع کند و در اموری که نیاز به کارشناسی اجتماعی دارد، از آنان مشورت بخواهد.^{۳۳}

دیدگاه علامه فضل الله درباره کارکرد شورا

از منظر علامه فضل الله شورا ساز و کاری اسلامی است که کلیه عرصه‌های فکری و عملی مردم را شامل می‌شود و بستر طرح نظرات و تضارب افکار به منظور شناخت مصلحت‌های اجتماعی مسلمانان را فراهم می‌آورد^{۳۴} و به طور کلی با دموکراسی غربی متفاوت است.^{۳۵} به عقیده او شورا علاوه بر شکل دهی به رویکردهای فردی و اجتماعی، عاملی مهم در نظارت و کنترل اجتماعی و ممانعت از گرایش رهبر غیر معصوم در عصر غیبت به استبداد رأی و سوء استفاده از عواطف مردم به شمار می‌رود.^{۳۶} کارکرد مهم دیگری که شورا در دیدگاه فضل الله داراست، شکل‌گیری اتفاق نظر میان آحاد مردم جامعه نسبت به مسائل مختلف اجتماعی است.^{۳۷}

علامه فضل الله در تفسیر آیه ۱۵۹ آل عمران به تعلیل نزول این آیه پرداخته و می‌نویسد: فرمان به مشورت در ضمن توصیف سیره پیامبر صلی الله علیه و آله با مسلمانان، گویای واقعیت انسانی رسالت و رفتار مشحون از رحمت و شفقت ایشان است. خداوند در قالب این فرمان از پیامبر می‌خواهد تا با اغماض از خطاهای ایشان و مشارکت دادن آنان در امور مرتبط با حکومت، آنان را به تأمل و اندیشه‌ورزی در دوران پیش رو وادارد. از نظر فضل الله آیه هرگز دلالت بر الزام مشورت گیرنده به رأی مشاوران ندارد، لذا به عنوان شهادی بر لزوم تبعیت حاکم اسلامی از تصمیمات امت به عنوان مبنای مشروعیت حکومت اسلامی کارایی ندارد.^{۳۸}

وی متفکرانی که این آیه را مستندی برای برشمردن شورا به عنوان حکمی تشریحی استفاده کرده‌اند، تخطئه نموده و آیه را صرفاً راجع به بحثی اخلاقی در نفی خودرأیی و استبداد فکری می‌داند؛ لذا نه تنها رهبر، بلکه تمامی انسانها به بررسی جامع و فراگیر شرایط پیرامون یک مسئله دعوت شده‌اند.^{۳۹}

یکی دیگر از صاحب‌نظران نیز در قالب کلامی قریب بدین مضمون، نظام شورا را ساختاری رحیمانه برای تشویق مردم به استفاده بیشتر از عقل و دانش بشری معرفی کرده است.^{۴۰} بر پایه چنین نگرشی آیات شورا صرفاً پیشنهاداتی اخلاقی برای جلوگیری از سيطرة روحیه خودکامگی بر تصمیم‌گیران است و در نهایت اتخاذ چنین رویه‌ای از احتمال بروز خطا در تصمیم‌گیری‌ها کاسته خواهد شد. فضل الله در یکی از تألیفات خود مفصلاً پیرامون دیگر تشکلهای اجتماعی اسلامی مطلبی را بیان می‌کند و فعالیت‌های حزبی و تشکیلاتی را با نظریه شورا و مرجعیت مقایسه نموده و در نهایت هیچ یک از دو دیدگاه را تأیید یا نفی مطلق نمی‌کند، بلکه بر لزوم سازماندهی یا به عبارت دیگر توجه به کم و کیف جزئیات به منظور حفظ اصول تأکید می‌کند. او از یک سو فعالان تشکیلات حزبی را به دمیدن روح اسلام خواهی به جای تعصبات حزبی فرا می‌خواند و از سوی دیگر مرجعیت را نسبت به افزودن بر نقاط مثبت خویش از طریق مراجعه به کارشناسان در قضایای روزآمد، دعوت می‌کند.^{۴۱}

دیدگاه علامه فضل الله درباره مختصات شورا

فضل الله در پاسخ به سوال محقق پیرامون نحوه تصمیم‌گیری در نظام اسلامی و جایگاه مجلس در برنامه ریزی‌ها می‌گوید: «در اسلام شکل معینی برای انتخاب حاکم یا رابطه وی با مشاوران خود یا مردم در تصمیم‌گیری پیش‌بینی نشده است. این امر به شرایط زمان و توافق مصلحان جامعه و از طریق فرآیندهای مناسب با مصالح جامعه اسلامی و متضمن امنیت و تحقق اهداف آن واگذار شده است. این امر گاه مستلزم رهبری جمعی یا فردی

است و گاه علاوه بر آن مستلزم تعیین مشاوران خبره و ذی صلاح منتخب مردم و یا حتی منتخب رهبری است؛ اما آنچه بیش تر موجب وحدت صفوف مسلمانان و متناسب با آموزه‌های هدایت‌گر اسلام است، این است که مشاوران حاکم به دست مردم انتخاب شوند.^{۴۲} فضل الله ملاک تمامی تصمیم‌گیری‌ها را احکام شرعی و مصالح اجتماعی می‌داند و تاکید می‌کند چنانچه حاکم به آگاهی و خبرویت خود اعتماد داشت، ملزم به مشورت نیست. این موضوع صراحتاً از کلام ایشان هویداست: «مشورت با اهل خبره به هنگام تصمیم‌گیری واجب است و اشکالی ندارد که این تصمیم‌گیری از طریق فرآیندهای جدید نظیر مجلس نمایندگان ملت باشد، همچنان که مانعی وجود ندارد که از طریق اشکال دیگری که متضمن تعمق حاکم در موضوع تصمیم‌گیری پیش از مرحله اخذ تصمیم نهایی صورت پذیرد، هرچند که بهتر است مردم از طریق مجلس نمایندگان منتخب خویش در مشورت با حاکم مشارکت داشته باشند.»^{۴۳}

وی در مصاحبه‌ای به این موضوع می‌پردازد که با توجه به آنکه حاکم محکوم برنامه‌های خویش است، نمی‌تواند به ملاحظه خواسته‌های نادرست مردم از اصول دست بردارد و مسیر کلی تعامل حاکم اسلامی با مردم بدین شکل ترسیم شده که مشورت با امت انجام گیرد، قطع نظر از آنکه اطاعت از نتیجه شورا برآنان واجب باشد یا اینکه شورا عاملی برای تثبیت اوضاع جامعه به شمار آید. پس مساله حکومت در اسلام مسئله فرد نیست. حاکم، امین اجرای برنامه الهی و بر اساس آن برنامه امین امت است. جامعه می‌بایست مشروعیت اقتدار رهبری را بپذیرد و از برنامه‌های اساسی او تخلف نوردد.^{۴۴}

می‌توان گفت تاکید علامه فضل الله بر لزوم تعامل مبتنی بر اطاعت مردم با رهبر جامعه اسلامی و عدم تخطی از تصمیمات وی که در تفسیر چندین آیه به چشم می‌خورد،^{۴۵} در موضوع شورا این گونه نمایان می‌شود که نقش تعیین‌کننده را از افراد منتخب مردم در ساختار نظام اسلامی سلب می‌نماید.

تحلیل دیدگاه علامه فضل الله درباره شورا

یکی از مهمترین پرسش‌های نظری در حوزه آزادی، نحوه ترسیم رابطه ملت و دولت و یا تعیین حدود مشارکت آزادانه سیاسی افراد است. در اندیشه سیاسی اسلام، گرچه حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست؛ اما او به انسان آزادی توأم با مسئولیت بخشیده و بر سرنوشت خویش حاکم گردانیده است. در این منظومه فکری، مشروعیت حکومتها ناشی از اراده الهی است، به عبارت دیگر حکومت بر انسانها از شئون ربوبیت تشریحی ناشی می‌شود.^{۴۶} لذا چنانچه خداوند حق حاکمیت خود را به فرد یا افرادی بسپارد، حاکمیت آنان با نصب الهی مشروعیت می‌یابد و مردم در مشروعیت حکومت فاقد نقش هستند. البته مقبولیت حکومت حاکم الهی و فعلیت حکومت مشروع وی در گرو بیعت مسئولانه مردم و مشارکت فعال آنان در همراهی با حاکم منصوب الهی است.

به طور کلی در باب نقش مردم در حکومت اسلامی نظراتی مطرح است:

- نظری که معتقد است اصل حکومت و حاکمیت از آن خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه است؛ اما تحقق عینی و استقرار حکومت بستگی به قبول و پذیرش مردم دارد.

- نظری که معتقد است حتی اصل مشروعیت فقیه و حکومت وی در عصر غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه منوط به پذیرش و قبول مردم است.^{۴۷}

آنچه در دیدگاه فضل الله قابل توجه است، جایگاهی است که برای مشارکت سیاسی مردم در نظام اسلامی به چشم می‌خورد. حوزه مهمی که ذیل مباحث تفسیری آیه ۱۵۹ آل عمران مشهود است، لزوم تصمیم‌گیری‌های ولی امر یا حاکم اسلامی مطابق دستورات الهی است. این تفسیر دقیقاً برآمده از روح کلی حاکم بر آیات قرآنی است. آیاتی که فرمان از آن خدا،^{۴۸} داور نیز متعلق به مقام ایشان^{۴۹} و اسلام تنها قانون پذیرفته شده الهی معرفی شده^{۵۰} و همگان به لزوم تبعیت از احکام الهی فرا خوانده شده‌اند.^{۵۱}

از بررسی دیدگاه‌های ایشان چنین به نظر می‌آید که از نظر وی، انسان به اقتضای خلقت آزاد و مختار، در فعالیت‌های خویش حریت دارد؛ اما از آنجایی که موجودی اجتماعی و مدنی الطبع و جزئی همسان با دیگر اجزاء در جامعه است، نمی‌تواند حقوق دیگران را سلب کند و کرامت آنان را نادیده بگیرد؛ چرا که چنین امری، هرج و مرج و اختلال در نظام اجتماعی و هلاکت نوع بشر را به دنبال دارد. در قرآن کریم به صراحت بدین موضوع اشاره شده است.^{۵۲} جهان بینی توحیدی مفسر سبب شده ایشان تمامی حدود و مرزهای حاکم بر رفتار انسان در حیات اجتماعی را با محوریت عبودیت الهی ترسیم نمایند. در این ساختار، قوانینی که پیامبران برای زندگی فردی و اجتماعی بشر از جانب خداوند به همراه دارند و حکومت‌های صالح در هر زمانی بنا بر مقتضیات عصر، برای تعالی اجتماع وضع می‌کنند، سلب آزادی مشروع و حق طبیعی انسان محسوب نمی‌شود؛ چرا که لجام گسیختگی انسان در این موارد، انهدام اجتماع بشری و دور شدن از مسیر کمال و سعادت را در پی خواهد داشت. پس در این دیدگاه آزادی، کمال وسیله‌ای و نه کمال غایی برای انسان است و غایت به کمال مطلوب رسانیدن انسان آزاد و مختار تلقی می‌گردد.

همانطور که در بخش‌های پیشین بیان گردید؛ یکی از مظاهر دخالت مردم در عرصه سرنوشت اجتماعی خویش، که زمینه مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های کلان اجتماعی و مداخلیت در تصمیم‌سازی‌های اصحاب قدرت و حکومت را فراهم می‌آورد و در دیدگاه علامه فضل‌الله پیرامون آزادی‌های سیاسی مورد توجه قرار گرفت، موضوع شورا بود. شورا در اندیشه علامه فضل‌الله، نه تنها به عنوان توصیه‌ای اخلاقی به تمامی ارکان جامعه اسلامی برشمرده شده، بلکه خط مشی سیاسی و اجتماعی در اداره جامعه مسلمین محسوب می‌شود. لذا بر اصل اجتناب حاکم از استبداد نظر تاکید گردید و توصیه اخلاقی مشورت از دیدگاه وی دستوری عام به تمامی مسلمین است. البته چگونگی تشکیل،

حدود، صلاحیت‌ها و اختیارات شورا توسط علامه فضل‌الله به تفصیل بیان نشده و صرفاً به عبارات کوتاه و موجز بسنده شده است.

موضوع توجه علامه فضل‌الله به عنصر «مصلحت»، به نحو قابل توجهی دیده می‌شود. مصلحت از ریشه (صلح) به نقیض فساد تعبیر شده^{۵۳} و فساد خروج از حد اعتدال معنا گردیده است. بنابر این می‌توان مصلحت را چیزی دانست که باعث اعتدال می‌شود. یکی از معاصران در تعریف مصلحت می‌نویسد: «مصلحت در اصطلاح علمای دین ممکن است این چنین تعریف گردد: منفعتی که شارع آن را برای بندگان در نظر گرفته و به ترتیب مشخصی شامل حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال می‌شود.»^{۵۴}

علامه فضل‌الله، ملاک تمامی تصمیم‌گیری‌ها را تبعیت از مصالح اجتماعی برشمرده‌اند. به عقیده وی متعلق مصلحت، مصلحت جامعه اسلامی است؛ به معنای آن که حکومت اسلامی با توجه به قوانین و مجموعه تعالیم اسلام و با توجه به مقتضیات متغیر و گوناگون جامعه به صدور احکام حکومتی مبادرت نماید و شورا به عنوان ابزار تشخیص مصلحت در احکام ثانویه، به رسمیت شناخته شده است.^{۵۵}

بحث عمده و قابل توجه دیگر در عرصه ترسیم شورا از منظر مفسر، مسئله کیفیت استفاده از شورا و اکثریت است. تبیین دقیق این موضوع منوط به طرح مقدمه‌ای است؛ همانطور که یکی از اندیشمندان بین کاربردهای اصطلاحی شورا تمایز قائل شده است، مفهوم شورا گاهی در مواردی استعمال می‌شود که صرفاً تشخیص حقیقت مورد توجه باشد یا به عبارت دیگر استکشافی و طریقی است و طریقت به کشف حقیقت را دارد و جز این چیز دیگری در امر مشورت مد نظر نبوده است. لذا اصل تبعیت این امر و حد آن تا زمانی است که حقیقت مورد نظر به دست نیامده باشد. در بعضی از موارد دیگر، شورا تنها برای کشف حقیقت نیست، بلکه به واسطه آن، امور دیگری چون حقوق افراد مورد مشورت مراعات می‌شود؛ در این مصداق امر به شورا موضوعیت دارد، گرچه حقیقت قبلاً نیز روشن باشد و

حتی در اثر مشورت یا عمل به آن، به مسیر ناصواب کشیده شود.^{۵۶} با در نظر گرفتن این نکته حائز اهمیت در کاربرد اصطلاحی شورا و مجموعه موضوعاتی که سابقاً درباره دیدگاه علامه فضل الله مطرح گردید، باید اذعان داشت؛ علامه فضل الله از ادله شورا چنین برداشت کرده است که شورا برای حاکم طریقت دارد نه موضوعیت، چرا که ملاک مشورت کردن رسیدن به قول صواب است، نتیجه این اندیشه، مقید بودن لزوم مشورت به عدم علم حاکم است. در نقد این دیدگاه گفته شده این نکته که از ادله شورا طریقت بدست می آید، درباره امور شخصی صحیح است؛ اما درباره امور حکومتی، این احتمال که مشورت موضوعیت داشته باشد بعید نیست. البته جمع بین طریقت و موضوعیت نیز اشکالی ندارد.^{۵۷}

نکته قابل توجه دیگر آنکه در تعالیم اسلامی، حضور مردم در صحنه‌های گوناگون اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. این مشارکت عمدتاً منجر به شکل‌گیری اکثریت و اقلیتی شده است. علامه فضل الله با بهره‌گیری از فحوای آیات، پیروی تصمیم‌گیران از رای اکثریت را در موضوعات اجتماعی ثاقب ندانسته‌اند.

بررسی آیات قرآنی نیز گویای این حقیقت است که کثرت قابل تقسیم به کثرت ممدوح و کثرت مذموم است. همانگونه که اکثریت در بسیاری موارد ستوده شده‌اند و مقوله کثرت در برابر قلت مطلوب است؛^{۵۸} اما در مواردی که موضوع کثرت از نظر شرعی و عقلانی ناپسند شمرده می‌شود، اجتناب از آن سفارش شده است.

قرآن کریم در بسیاری موارد اکثریت را نکوهش کرده است، از این رو ملاک حق و باطل در قرآن، اکثریت جامعه نیست، بلکه ذات کار از حیث حسن فعلی و حسن فاعلی دارای اهمیت تعیین‌کننده است. به عنوان مثال آیه ﴿وَإِنْ تَطَعُوا أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ﴾^{۵۹} گویای این امر است که زندگی انسانها آمیخته به حدسیات و تخمین‌های ناصواب است و آرای اکثریت در معارف و شرایع الهی، ملاک تعیین حقانیت نیست.

در آیه ﴿قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^{۶۰} نیز اعتبار و ارزش واقعی، از آن حق معرفی شده و بر این قاعده اساسی تاکید شده که نظر و عمل گروه اکثریت، نمی‌تواند دستاویزی برای عدم پیروی از تشریحات الهی قرار گیرد.

در آیاتی از قرآن کریم چه بسا از آراء و نظرات اکثریت یاد شده است که بر گمان های بی اساس اعتماد نموده‌اند،^{۶۱} اندیشه‌هایی شرک آمیز داشته‌اند^{۶۲} و در برابر تفضلات الهی ناسپاسی داشته‌اند.^{۶۳} علامه فضل الله نیز تاکید نموده‌اند که نظر اکثریت لزوماً حق و واجب الاتباع نیست.^{۶۴}

ترجیح اکثریت بر اقلیت در مواردی از آیات به وضوح دیده می‌شود که بر مبنای منطق و فکر صحیح مطابق با واقع گردآمده باشند. به جرأت می‌توان گفت مصداق جواز جلوه‌گری آزادی سیاسی در قالب شورا، در همین حیثه باشد. به عبارت دیگر آنچه در اخذ به نتیجه شورا به عنوان عینی ترین مصداق آزادی سیاسی مطرح می‌شود، توجه به خاستگاه و بستر اکثریت است، یعنی چنانچه انطباق نظر اکثریت، مطابق موازین شرعی و عقلی ثابت گردید، ارزشمند و پیروی از آن واجب است و برعکس چنانچه منتهی به امر باطل و نادرستی بود، مخالفت با آن ضروری است.

نتیجه:

از منظر فضل الله شورا ساز و کاری اسلامی است که کلیه عرصه‌های فکری و عملی مردم را شامل می‌شود و بستر طرح نظرات و تضارب افکار به منظور شناخت مصلحت‌های اجتماعی مسلمانان را فراهم می‌آورد و به طور کلی با دموکراسی غربی متفاوت است. به عقیده او شورا علاوه بر شکل دهی به رویکردهای فردی و اجتماعی، عاملی مهم در نظارت و کنترل اجتماعی و ممانعت از گرایش رهبر غیر معصوم در عصر غیبت به استبداد رأی و سوء استفاده از عواطف مردم به شمار می‌رود. کارکرد مهم دیگری که شورا در

دیدگاه فضل الله داراست، شکل گیری اتفاق نظر میان آحاد مردم جامعه نسبت به مسائل مختلف اجتماعی است. فضل الله ملاک تمامی تصمیم گیری‌ها را احکام شرعی و مصالح اجتماعی می‌داند و معتقد است چنانچه حاکم به آگاهی و خبرویت خود اعتماد داشت، ملزم به مشورت نیست.

پی نوشت‌ها:

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۴، ص ۴۳۴.
۲. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۵۵.
۳. ابو فارس، محمد عبد القادر، حکم الشوری فی الاسلام و نتیجتها، ص ۱۰.
۴. آل عمران: ۱۵۹.
۵. شوری: ۳۸.
۶. ر.ک: سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۵۰۱؛ ابن عاشور، محمد الطاهر، التحریر و التنویر، ج ۴، ص ۱۵۰؛ زحیلی، وهبه بن مصطفى، المنیر، ج ۴، ص ۱۴۰.
۷. عبد الخالق، فرید، فی الفقه السیاسی الاسلامی، ص ۴۱.
۸. حائری، سید کاظم، بنیان حکومت در اسلام، ص ۸۶.
۹. الشاوی، توفیق محمد، الشوری اعلی مراتب الدیموقراطیه، ص ۸۰.
۱۰. الشاوی، توفیق محمد، فقه الشوری و الاستشاره، ص ۱۲۰.
۱۱. رشید رضا، محمد، التفسیر المنار، ج ۴، ص ۲۰۵.
۱۲. طنطاوی جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۶۸.
۱۳. رشید رضا، محمد، الوحی المحمدی، ص ۱۸۴.
۱۴. نائینی، محمد حسین، تنبیه الامه و تنزیه المله، ص ۸۲.
۱۵. جوادی آملی، عبد الله، ولایت فقیه ولایت فقاها و عدالت، ص ۴۳۲-۴۳۴.
۱۶. البوطی، محمد سعید رمضان، فقه السیره النبویه، ص ۲۳۹.

۱۷. الانصاری القرطبی، ابو عبد الله محمد بن احمد، الجامع الاحکام القرآن، ج ۴، ص ۲۵۲.
۱۸. حجتی کرمانی، علی، لبنان به روایت امام موسی صدر و دکتر چمران، ص ۸۷-۹۰.
۱۹. معینی آرائی، مصطفی، ساختار اجتماعی لبنان و آثار آن، ص ۸۴، ۲۰۹-۲۱۲.
۲۰. به نقل از: تبرائیان، صفاء الدین، «ویژگی علما و شیعیان لبنان در گفتگو با آیه الله فضل الله»، صدای عدالت، ۱۳۸۰/۲/۱۶.
۲۱. ر.ک: صبحی الخضر الحمصی، مصطفی؛ خلیل جعفر، مهدی، آیت الله السید محمد حسین فضل اله شمس لن تغیب، ص ۱۱-۴۵.
۲۲. فضل الله، محمد حسین، الندوه، ج ۱، ص ۱۵۴.
۲۳. عظیمی، محمد جواد، «گفتگو با استاد محمد حسین فضل الله»، ص ۷۹.
۲۴. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۵۴-۵۵.
۲۵. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۱، ص ۱۴۴.
۲۶. یونس: ۲۴.
۲۷. یوسف: ۱۰۲.
۲۸. شوکانی، محمد بن علی، فتح الغدیر، ج ۱، ص ۴۵۱؛ الزمخشری، محمود، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۴۳۲.
۲۹. قاضی زاده، کاظم، سیاست و حکومت در قرآن، ص ۲۷۸.
۳۰. همان، ص ۲۷۸-۲۷۹.
۳۱. البلعید، الصادق، القرآن و التشریح، ص ۲۳۷.
۳۲. فضل الله، محمد حسین، حوارات حول السیاسه و الفکر و الاجتماع، ص ۱۴۹.
۳۳. همان.
۳۴. فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، ج ۲۰، ص ۱۹۱.
۳۵. فضل الله، محمد حسین، الاسلام و منطق القوة، ص ۱۵۲.
۳۶. فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، ج ۶، ص ۳۴۳.
۳۷. همان، ج ۶، ص ۳۴۸.
۳۸. همان، ج ۶، ص ۳۴۴-۳۴۵.
۳۹. همان، ج ۶، ص ۳۴۵.
۴۰. شلتوت، محمود، الاسلام عقیده و شریعة، ص ۳۷.

۴۱. فضل الله، محمد حسین، کیمیای نظر- تاملاتی در مبانی نظری جنبش های اسلامی، ص ۲۷۱-۲۷۷.
۴۲. به نقل از آرمین، محسن، جریان های تفسیری معاصر و مسئله آزادی، ص ۳۴۷.
۴۳. همان.
۴۴. فضل الله، محمد حسین، «نسبت قدرت، دموکراسی، شورا و فقاقت در جامعه دینی»، صدای عدالت، ۱۳۸۰/۸/۲۷.
۴۵. ر.ک: فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، ج ۱۶، ص ۳۶۷ و ۳۶۹.
۴۶. انعام: ۶۳.
۴۷. ر.ک: نادری قمی، محمد مهدی، نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه، ص ۷۰.
۴۸. یوسف: ۶۷، انعام: ۵۷.
۴۹. انعام: ۶۲، قصص: ۸۸، ۷۰.
۵۰. آل عمران: ۱۹، ۸۵.
۵۱. مائده: ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۴۵.
۵۲. بقره: ۲۰۵.
۵۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۳، ص ۱۱۷؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۲، ص ۵۱۶؛ طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۳۸۶.
۵۴. البوطی، رمضان، ضوابط المصلحه، ص ۲۷.
۵۵. به نقل از آرمین، جریان های تفسیری معاصر و مسئله آزادی، ص ۳۴۷.
۵۶. قاضی زاده، کاظم، جایگاه شورا در حکومت اسلامی، ص ۵.
۵۷. همان، ص ۱۱۲.
۵۸. اعراف: ۸۶؛ توبه: ۲۵؛ فتح: ۱۹-۲۰؛ بقره: ۲۴۵؛ احزاب: ۲۱.
۵۹. انعام: ۱۱۶.
۶۰. مائده: ۱۰۰.
۶۱. انعام: ۱۱۶.
۶۲. یوسف: ۱۰۶.
۶۳. اعراف: ۱۷.
۶۴. فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، ج ۸، ص ۳۵۵.

منابع:

قرآن کریم ترجمه مهدی فولادوند.

۱. ابن عاشور، محمد الطاهر، التحرير و التنوير، بيروت: الدار التونسية للنشر، بی تا.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بيروت: دارصادر، ۱۴۱۴.
۳. ابو فارس، محمد عبد القادر، حکم الشوری فی الاسلام و نتیجتها، بی جا: دار الفرقان، ۱۹۸۷.
۴. الانصاری القرطبی، ابو عبد الله محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، بيروت: دار التراث العربی، بی تا.
۵. آرمین، محسن، جریان های تفسیری معاصر و مسئله آزادی، ج ۱، تهران: نشر نی، ۱۳۸۸.
۶. البلعید، الصادق، القرآن و التشريع، تونس: مرکز النشر الجامعی، ۱۹۹۹.
۷. البوطی، رمضان، ضوابط المصلحه، بيروت: موسسه الرساله، بی تا.
۸. تبرائیان، صفاء الدین، «ویژگی علما و شیعیان لبنان در گفتگو با آیه الله فضل الله»، صدای عدالت، ۱۳۸۰/۲/۱۶.
۹. جوادی آملی، عبد الله، ولایت فقیه ولایت فقاہت و عدالت ولایت فقیه ولایت فقاہت و عدالت، قم: نشر اسرا، ۱۳۸۳.
۱۰. البوطی، محمد سعید رمضان، فقه السیره النبویه، دمشق: بی تا.
۱۱. حائری، سید کاظم، بنیان حکومت در اسلام، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴.
۱۲. حجتی کرمانی، علی، لبنان به روایت امام موسی صدر و دکتر چمران، تهران: انتشارات قلم، ۱۳۶۴.
۱۳. رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بالتفسیر المنار، بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر، ۱۹۸۷.
۱۴. رشید رضا، محمد، الوحي المحمدي، مصر: بی جا، بی تا.
۱۵. زحیلی، وهبه بن مصطفى، تفسیر المنیر، بيروت: دار الفكر المعاصر، ۱۴۱۸.
۱۶. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، بيروت: دار الكتاب العربی، ۱۴۰۷.
۱۷. سید قطب، فی ظلال القرآن، قاهرة: دار الشروق، ۱۹۹۵.

۱۸. الشاوی، توفیق محمد، الشوری اعلی مراتب الیدموقراطیه، قاهره: دار الزهراء للاعلام العربی، ۱۹۹۵.
۱۹. الشاوی، توفیق محمد، فقه الشوری و الاستشاره، مصر: دار الوفاء، ۱۹۹۳.
۲۰. شلتوت، محمود، الاسلام عقیده و شریعة، قاهره: دار القلم، بی تا.
۲۱. شوکانی، محمد بن علی، فتح الغدیر، بیروت: دار ابن کثیر، ۱۴۱۴.
۲۲. صبحی الخضر الحمصی، مصطفی؛ خلیل جعفر، مهدی، آیه الله السید محمد حسین فضل اله شمس لن تغیب، بیروت: دار المحجة البيضاء، ط ۱، ۲۰۱۰.
۲۳. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات حوزه علمیه، ۱۴۴۰.
۲۴. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران: مکتبه المرتضوی، ۱۳۷۵.
۲۵. طنطاوی جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۹۱.
۲۶. عبد الخالق، فرید، فی الفقه السیاسی الاسلامی، قاهره: دار الشروق، ۱۹۹۸.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: نشر هجرت، ۱۴۱۰.
۲۸. فضل الله، سید محمد حسین، الندوه، چاپ دوم، بیروت: نشر عادل قاضی، ۱۴۱۸.
۲۹. فضل الله، محمد حسین، «نسبت قدرت، دموکراسی، شورا و ققاهت در جامعه دینی»، ترجمه مجید مرادی، نشریه صدای عدالت، ۲۷/۸/۱۳۸۰.
۳۰. فضل الله، محمد حسین، الاسلام و منطق القوة، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ط ۵، ۱۹۸۷.
۳۱. فضل الله، محمد حسین، کیمیای نظر - تاملاتی در مبانی نظری جنبش های اسلامی، ترجمه الحركة الاسلامیه هموم و قضايا، مترجم محسن عابدی، خانه اندیشه جوان، ج ۱، ۱۳۷۸.
۳۲. فضل الله، محمد حسین، حوارات حول السیاسه و الفكر و الاجتماع، اعداد: نجیب نور الدین، قم: بی جا، بی تا.
۳۳. فضل الله، سید محمد حسین، من وحی القرآن، بیروت: نشر الزهراء، ۱۳۹۹.
۳۴. قاضی زاده، کاظم، جایگاه شورا در حکومت اسلامی، تهران: چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۴.
۳۵. قاضی زاده، کاظم، سیاست و حکومت در قرآن، ج ۴، تهران: پژوهشگاه اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹.

۳۶. عظیمی، عظیمی، محمد جواد، «گفتگو با استاد محمد حسین فضل الله»، آینه پژوهش، سال ۲، ش ۱، ۱۳۷۰

۳۷. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، بنگاه ترجمه و نشر، ۱۳۶۵.

۳۸. معینی آرانی، مصطفی، ساختار اجتماعی لبنان و آثار آن، وزارت امور خارجه موسسه چاپ و انتشارات، ج ۱، تهران: بی جا، ۱۳۷۲.

۳۹. نادری قمی، محمد مهدی، نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه، قم: موسسه امام خمینی، ۱۳۷۸.

۴۰. نائینی، محمد حسین، تنبیه الامه و تنزیه المله، با حواشی سید محمود طالقانی، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۱.

حسنا



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی